

اداره و عنوان جرائد

تبریز

عمارت انجمن ایالتی

میدان تحریریه

بیستم محرم الحرام ۱۳۲۷

تالمت

قیمت اشتراك

سالیانه

تبریز

۸ قران

عالتك داخله

۱۰ قران

خارجیه

۴ منات

تک قمره صد دينار

روزنامه ایست که در همه ایالت‌ها و صنایع ملیه در نهایت آزادی سخن میگوید مکاتب سودمند را با مضامین معروف قبول و درج نماید

شاه و فلاکت دربار

بازگو از شاه از باران شاه تا سوز دل رسد آهت بانه از افلاس و ناداری و ناچاری دولت و خالی بودن دستکاه سلطنت مکتوب اشاره شده که

پادشاه پادشاه آه ندارد در دو جهان مله و پناه ندارد چون همه در قید نظم مانده گرفتار گوی که این ملک پادشاه ندارد مات بگردد چو ساقی شکر شاه که روز و روز سپاه ندارد بقية السیف جواهرات را سرمایه قبل بحسب

فرستادند در سکو و فرخند در عوض قرص و شمش طلا فرید فرستادند در طهارت آن سکه زده شد روزها از مطلب مسوق بودند در روز و روز و در انحصار مسکور و زمانه مسکوب و شرف خزینه ایران در روز و آد مسکوب گردید و افضیحا ؟

در سخن از که همه حتمت حربه و اسباب و لوازمات لشکر کشی بود همه راه را چ کرده فروختند همه پانده و خند زمان بیخ و بنش پادشاه همه را حارب کشیدند از پیل و کلکت طاب و زینهر تا تفنگ و فشنگ ، بارو و سر و پانچ بدگی توپ تا جابل پلاس تا زین و رکاب فروختند قفل انبار را بیفروختند .

هر چه طلا و نقره الا ندر دستکاه سلطنت بود از قاشق چاقی و زیباستکان و اسباب مدلیه تا سین ساور و آفتاب لکن و تلبیان و غیره که اخذ مسکه زده اند شیخ فضل آه شاه صد تن دین پرور را (۱) جایز ندانست که بخلاف

شرح اسباب نقره و طلا استعمال کند مشه چو به تقوای شیخ کرد اطاعت طرف طلا بعد از این نگاه ندارد (۲)

این همه اشیاء - که فروخته شد از وصول آن ثلثی به کلبه داخل شده در میان در و مرهم جراحی نگشته بلکه مانند وجوه استقراضی روس و عهد مظفر الدین شاه (چنان بودند صبر از دل که ترکان خوان میعاد)

مثلاً امیر بهادر ادعای جلای از دولت داشت در ایام مشروطه هر وقت اظهار کرد ازدهانش زده گفتند طلب جعلی دروغی است اما در این زمان استبداد نه بلکه زمان هیچ و مرجع که عزیز را میفرختند از سده ۲۰ هزار بند کاغذ سفید سخت با دوای بود برای فشنگ سازی طرح قدیم معروف میشد آن ۲۰ هزار بند کاغذ امیر بهادر با یک نفر کتابفروش جفت و جلا کرده هر یک بنفاز آن

از قتل شهرار و بنا بر او رفتند و بعد از این بهادر از ارباب
 طلب برداشت بعد کاغذها را کتبش و شند و وارنده هزار
 فرخند اکنون اعدا بندی دو تومان از دست هر یک گرفتند
 آیا با ایصال امیر بهایم تا جان دارد راضی میشود که سلطنت
 مشروطه و امور آن در تحت قانون باشد .
 هکذا سایر حشرات درباری

و نشان گرفته اخترا الدوله عمه شاه واکه زن عزیز الله
 بود پس از اطلاع دادن منجه بزنده گرفت
 داوطلبان به امتداد قلبی سواره مجتهد و همراهه از
 طهران حرکت بطرف تبریز کرده و مشهود شده است که
 محض ورود بدون فاصله هجوم محضی با جماعت اردوی
 عین الدوله بشهر نماند

ماشاه نام خدا کار دولت از بی پولی و رسوائی جان
 کشیده که پیشفانه دارد و جبار با قبوض محل معین ساختند
 بستخانه مثل خازنانه های قدیم تبریز است آنانکه قبض
 حواله در دست دارند با الما وید از صبح تا ظهر مال بکسر
 از ظهر تا عصر مال دیگری است که هر قدر دخل باشد غمی
 گذارند از سر ساعتش بگذرد که بخانه تلکراخته
 ای شه مقلس و لذت و کج و سیاه
 تو بدین حال اگر شاه نباشی چه شود

در چنین وداع شاه دست بگردن اش انداخته سر
 صورتش بوسیده الناس میگوید
 (سر دار او شد من فسخ مین بزار تو میخواستم و همینه
 میخواستی میدهم من سابقه ندادم)
 او هم میگفت قربان ! یا فسخ میکنم این سرم و اندوایه
 شما یاد میدهم این سرم دار او شد که و کائنات از طرف
 شاه و نیابنا از طرف زامر بهادر آمد ما سویت دو
 فوج فیروز کوه و دماوند را دار کسابقا ما مویتن بیز
 بوده از یحیی و کرسند که در زنجیان خانه آخوند ملا
 قربان سلی مجتهد زنجیان متخص بودند انوار ابرو داشته
 و هر چه سواران ابلات اطراف تبریز میگویند ممکن باشد جمع کرد
 تبریز با نراقتل عام نماید

درو ز عید که سلام رسمی بود شاه لباس قرآنی پوشید
 و نشان روس را بجای نشان شیر خورشید نصب کرده و
 کمال صباغات را مینمود

بجز این سالاد لشکر مباد که کوله دهد تحت شاه میاید
 تلکراف عین الدوله کرده بود بدین مضمون (مادامیکه لبره
 عثمانی پیغمبر المانی تا شد سحمانی نصب شد بآن با تبریز جان
 باو است حال است اولیای دولت با بن صنف پیری و قاطران
 کار او از پیش برند)

حرکات کودگان شاه

سه روز است علی خان (از شد الدوله) که نزد
 دبست و ستم بجای ایلا و سز هسته و فرماده هر شون
 شاه بود و همه هم محمدی مجلس لقب سردار شدند

ولید در خبر واقع گفته است اگر سر بهرم و لبه داد و جلو
 چشم بر بند و حرم را اسیر کنند حال است مشروطه نمیکند
 لغت حق بر لحاج یاد که کشته است
 ملک سولت اولیای ایشان

نیز در هم حرم

اگر چه نظر بحاربان مختلفه میادین معتقد به
 فرقه ملیتیه واستبدادبان جنگهای اخیر را که پس از
 حراست مجاهدین از صدور مراضه واستقرار (صمدان)
 در سردرود باکسان او بوقوع پیوسته اظهار خیالی
 کرده و حملان مقیاس را زبهر نموده و بعضا شکستی داشته
 و خائبا و خاسرا بر کشیده اند؟ اهیچی نمیتوان داد
 لکن به انحصار مناخر تر که در سیزدهم شهریاری
 واقع شد بر هم بنظر عقیر استغنان نباید نگریست
 بآنکه باندک ایمان نظر مضمغانه لازم می آید که در
 نهاد یکی از سببین بزرگ و تاریخی این انقلاب بشمار آوریم
 صمدخان (سنان الملک) محض نمایش مراتب شاه
 برسی و ابراز شجاعت خود . با مقصد از مایش ضعف
 و قوت احمد . با بعزم تجدید آئین آل امیر بخرید اقتضای
 در صمد خانیا مقربد است که چند تن از پیش قزولان
 خودش در بالای (تپه ها) که بسی دور تر از منزل کلوله
 رس مشرف بسنگرهای (خطیب) بودی خویشین را
 نمودار ساخت و اگر مقضی باشد جمله لشکر بمانند
 او این نیز از مقصدات صلح و انازات نشسته بود که ما
 بهن خودشان ترتیب داده بودند)

مستغنیان استکرامات ملتی در (خطیب) بجز
 دیلر سیاهه قشون استبداد کم کم بنای شلیک گذاشتند
 و حاجتی نیز از مجاهدین شهر بدیشان پیوسته شلیک
 کتان رو بطرف (تپه های مزبوره) بورش برده
 و لشکر بان (صمدخان) را چند سنگران افامستگاه خود
 تفعل حرکت داده

بدون آنکه مدتی ازین خود بکاهد بفرمایند

(سردرود) سرکرمانه طایر همت را پرواز میدادند .
 فاعل از اینکه کانه سپاهیان (سردرود) و اغلب سواران
 (باشنج) بمسار و غنمه و امر روزا میعاد روزا زمان با اسرار
 قرار داده اند .
 سواران ملتی پروردور رفیق را صواب ندیده همه محافظت
 از ویست (خطیب) معاودت نمودند .
 تنها عده قلیلی از پیاده ها بودند که با اردوی مشکل و با
 جماعتی بیشتر از ده مقابل خود مشغول دهوا و رفتن رفند از
 محفظه های مرکزی خود انفصال میشوند که
 بکمر تبه سواران خصم چون سبیل تشییع قزولان فرود
 گرفته و خط انفصال خود را از طرفین هم پیوسته و جمعی از
 مجاهدین را در دراز استبلای خود گرفته داشتند .
 آری حقیقت مجاهدت و مراتب جدیت و رشادت زاده
 تبریز را بچنان نمودند
 و قشکه دیدند هر یک از پیاده های را که در آن تنگه بلا
 در احاطه صد ها سواره استبداد بوده و باز چندان در مقابل
 و استقلال خود بدل مجبور نموده که جز خلاصی از آن وسط
 هولناک جمعی را نیز از صیادان مغرور شکار کلوله جان شکاف
 نموده و کرافت هم جیستند همانا در تمام گیر و دار امر روزی
 پنج تن از مجاهدین مقبول و ۱۴ نفر مأخوذ آمدند و این
 احوال خاتم یافت فقط با یکم عضو بان دو (سپهسالار
 ملتی) و دسته از احرار را رساند و گر چه که در مهاجرت گیر و
 ناز از راه رنسیه و در نهایت سر همت و جلالت بفرز آنکه
 محالی باز دهند قشون دشمن را که تیب تیب جمعا ساخته و
 هر بنیای هر ضد نفر یکی دو نفر از مجاهدین را احاطه نموده
 بود بفریب کلوله گرفتند و از ظاهر (لاله) و (خطیب) تا
 فرزند را حقیقتی که بیشتر از یکم ربع راه آسید مشاهده نمودند

اگر در وقت بند شورش قابلیت خود بودند کم کم دارند
که مغلوب غلبه خود شده و بعضی در این تنگنای ضعف
الجبور گرفتارین بنیه ناگهانی گردند .
بلی جان باساقی از این مسئله خطرناک در بردن با وجود
اطمینان تامی که سواران از تیرگی و شجاعت خود داشتند
بسی مشکل بنمود زیرا باقیمانده از مرکز اصلی دور
افتاده و به اقتدر نیز بعد و در حرف قوی پیچ خود راه را
نزدیک کرده بودند . بجز مشاهده این حال هیئت سواران
چون جمعیت غراب پریشان با هزاران حسرت و نومیدی
دو بیزار گذارده و با همان حالت فرار هدف گلوله احرار
دیدند که متعاقب افتادست از شلیک بازنده آشته و
چون بازی پی شکار کوشگی بر وبال بگردند .
عدد متغییر این آهائینا بر مشهور یکصد تا یکصد
وسی و کتر نیز حکایت میکنند .

ولی ما بهیچ یک این اخبار اتماد ننموده فقط با اشاره -
مطلبی آکفانموده میگردیم شک نیست که شمار سواران که
چون مورچکان بالا و پایین دشت را فرز گرفته بودند از عدد
هزار و پانصد بیشتر بود و با آن هوای قلبه و استیلا که فترا
آنها را گرفتار غفلتی نموده و بر مرکز جهادت نزدیک ساخته بود
یک مرتبه تیر هوا شده و غالبیت مغلوبیت تبدیل یافته و رشته
انتظام کهنه با آن و فرد جمعیت مجبور فرار کرده با وجود
صیادان زیور دست که متعاقب آنها مشغول شکارند چه -
شکست فاحشی بر این طایفه جمول میرسد ؟
و با دادن چه قدر تلفات میتوانست خود را بنزد -

برسانند؟ درک این نکته با بدن سلیم قارئین کرام و کذا میگویم
لا یحیة حضرت سالار علی دامت تالیها تمجید العزوان
با این کثرت مشغولیت آه از خپالامی طایفه نبوده در فکر

پیش رفت مقاصد ملتی بوده و از یکطرف این مسئله از
برای بنده اسباب خیال و ناگوار شده این است زحمت
میدهد اولاً از خود چنانچه سوال مینماید روزنامه عیاش
از پی چه زیاست خبر از این است معایب صادره هر کس را
درج نمائید عموم ملت خواننده اتلاعی بهم رسانند خدمت
و خیانت معلوم گشته دیگر مصدر کار می قرارند هند این
مسئله خیانتی عظیمی است بملت مینماید حق عموم ملت
است از شاهان و درباریان مجلس استنطاق تا چند قانوناً مجازاً
برسانند نباید ملاحظه نمائید اول سند مهم معایب خود
بنده را هر روز در روزنامه ثبت و مندرج فرمائید پیش
اینکه بملاحظه درج کرده و پرده هم نگشاید عیاش درج فرمائید
زباده زحمت است . عمل صحر (سالار علی)
از اداره حقیق صفحات این نمره درج مشرحتاً
که در ذیل مکتوب جناب (سالار علی) نگاشته شده
است بنه آینه متعلق میدارد .

از اسلامبول

انجمن ایالتی تبریز مجاهدین رشت را تصرف
حاکم مقتول استقرض شد مترصدیم واقع تبریز را بنگار
تلکرافنیست انجمن سعادت
که سواد آن از طهران برنجف و از تجنیر برزفستاده
شده

از قصص بطهران - جناب محمدرالدوله بحضور همایون
۲۷ وارد شدیم اقدامات ابتدائی معیند نهنداد
بدستور و العمل ثانوی عمل نمودیم در شب ۱۳ عمل ختم
شد برای سرحد دیگر اقدامات میشود ولی دستور
ثانی زیاد خرج دارد و آلا درست بمشور غیر سید قاصد
مخصوص شرفیاب خواهد شد . شرح تلکراف

آه ورودی (صدر و اوغلی)
شرح حال صدر و اوغلی و نشان تزلزل تلکراف فوق تا در غایت آینه خواهم بنویس